

مقدمه هنری کربین (پروفسور در سربین فرانسه)

ترجمه دکتر سید حسین نصر

آقای سید جلال الدین آشتیانی، دانشیار فلسفه و تصوف اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه مشهد، بذل عنایت کرده و با نیت دوستانه خود خواستند مرا با نوشتن این مقدمه، در این اثر مهم که اکنون انتشار می‌یابد، سهیم سازند. با شوق هر چه تمام‌تر، به دعوت دوستانه ایشان پاسخ دادم، چون بمن این فرصت را می‌دهد که در کوشش و سعی ایشان شریک معنوی باشم<sup>۱</sup>.

در بدو امر می‌خواهم قدرت کاری را که تحقیقات عظیم و وسیع آقای آشتیانی در طول چند سال گذشته شاهد آنست، مورد تحسین و ستایش فراوان قرار دهم.

بسیاری از محققان مغرب زمین از محتویات این کتب به هیجان در می‌آمدند و توسط آن راهنمایی می‌گردیدند، اگر مانع زبان در پیش نمی‌بود. امیدوارم که پیش از همه چیز این مقدمه (بزبان فرانسه) اقلاً توجه این دانشمندان را بوجود شخص ایشان و آثارشان که در آن تمام مسائل بزرگ و لحظات درخشان تفکر شیعه مطرح شده است، معطوف سازد و خواننده چه ایرانی و چه اروپائی بداند

۱۴ ستایشی که در اینجا شده است، از همکاری است که از راه تجربه با تمام مصائب این امر آشنا است، چون عمر خود را وقف آن کرده و در این سعی و کوشش مؤمن است که ارزش دارد، این مسائل بالاخره توسط فلاسفه و مستشرقین شناخته شود.

در مساعی و تمایلات فکری خود آقای آشتیانی بنظر من مانند یک ملا صدرانیست که در عصر ما زندگی می‌کند، به نحوی که ملا صدرانی «دوباره زنده شده».

گمان نکنم بتوانم تمجیدی بالاتر از این بیان کنم، آقای آشتیانی<sup>۱</sup> یک فیلسوف ایرانیست که نماینده تمام عیار فلسفه دیرین است، منتهی فلسفه دیرینی که بنحوی کاملاً امروزی درک شده است. باین صورت آثار ایشان شاهد تجدید این تفکر است که علائم بسیاری از آن را می‌توان در ایران معاصر مشاهده کرد.

هم اکنون نام آقای آشتیانی را با یاد از ملا صدرای شیرازی آمیختم، یعنی با آن حکیمی که استاد همه ما است، همه آنانکه ذوق و استعداد درونی ایشان را به فلسفه ایران وابسته می‌سازد؛ زیرا ملا صدرا شخصیت بزرگیست که سرور سلسله حکما و عرفائی که نمایندگان تفکر ایران شیعی از عصر صفویه آنچه تا دوران معاصر هستند می‌باشد. و نیز باید این جهت را متذکر شد که از آثار آقای آشتیانی آنچه که تا کنون بطبع رسیده است، سه جلد به ملا صدرا اختصاص دارد و مؤلف تحسین و ستایش و تعلق خود را به او پنهان نمی‌سازد.

جلد اول، تحقیقی است کلی درباره حیات و آثار و افکار ملا صدرا با مقدمه مهمی از آقای دکتر فیاض<sup>۲</sup>. جلد دوم که در زمره انتشارات دانشگاه مشهد می‌باشد، چاپ رساله پراهمیتی است از ملا صدرا بنام کتاب «المظاهر الالهیه» که ارزش آن با مقدمه و حواشی پیوسته افزونی یافته است. و بالاخره جلد سوم شامل شرح طویل و محققانه ملا محمد جعفر لنگرودی بر کتاب مشاعر ملا صدرا است، که خلاصه تاریخ

۱۵ فلسفه ایران را از صدر الدین شیرازی تا دوره معاصر ضمیمه دارد. در این کتاب آقای آشتیانی با ذکر پر از لطف از بنده مرا شریک و سهیم ساختند، از آنجا که من خود سال قبل (۱۹۶۴) متن کتاب مشاعر را با ترجمه فارسی و فرانسه چاپ کرده‌بودم.

در آن ایام همه دوستان ملا صدرا جهت بزرگ داشت چهارصدمین سال تولد فیلسوف بزرگ شیراز در آثار خود همکاری کردند. باین نحو دوست و همکار من دکتر سید حسین نصر، برای اولین بار متن رساله سه اصل را چاپ کردند در حالیکه آقای محمد تقی دانش پژوه رساله کسر اصنام جاهلیه، را بطبع رسانیدند، دو سال پیش از آن (در سال ۱۳۸۰ هجری قمری)، آقای آشتیانی کتابی تألیف کردند: درباره هستی از نظر فلاسفه و عرفا.

این چهار کتاب آقای آشتیانی، خود اثری است عظیم، لکن در مقابل آنچه ایشان در دست دارند و مشغول تهیه آن می‌باشند ناچیز است. و اکنون کتاب فعلی که انتشار می‌یابد تحقیق وسیعی است درباره مقدمه‌ایکه داود قیصری برای شرح خود بر فصوص الحکم اثر معروف ابن عربی نگاشته است. چنانکه معروف است مقدمه قیصری خود رساله‌ایست مستقل که در آن تمام مباحث عرفان اسلامی مطرح شده است. هر چقدر این مقدمه پر ارزش باشد، لکن بنظر کسی که پیرو مکتب ملا صدرا باشد غیر قابل ملامت نیست. و اینجا است که بر می‌خوریم به نقطه حساسی که از وراء آن شکاف بین تفکر شیعه و آنچه غیر شیعی است ظهور می‌کند.

باید فوراً متذکر شد که این کتاب آقای آشتیانی، به نظر من از هم اکنون بهترین اثریست که می‌توان به طالبان عرفان علمی اسلامی و مسائل آن که می‌خواهند در راه آموختن این علم قدم گذارند، بزبان فارسی پیشنهاد کرد. آقای آشتیانی در حالیکه متن عربی قیصری را از نزدیک دنبال کرده و آنرا به فارسی برگردانده و با اتکاء به اطلاعات وسیعی درباره افکار استادان معروف این علم شرح کرده‌اند، به ترتیب مسائل وجود را از نظر عرفاء و اسماء و صفات الهی و اعیان ثابت و مراتب گوناگون عالم عینی و درونی را بیان کرده‌اند. ایشان

۱۶ مخصوصاً به مسأله مهم عالم مثال، که مباحث نبوت و معاد و صیوررت انسان در عالم برزخی، مبتنی بر آن می‌باشد، توجه خاص معطوف داشته‌اند و با نیروی هر چه تمام‌تر از نظریه ملا صدرا درباره تجرد قوه متخیله، که آلت ادراک و خلاق علم در خود است، دفاع کرده‌اند.

در صفحات این کتاب از هم اکنون متن قیصری، در جهات نوینی بسط یافته و اصلاح شده است. تاکنون فصوص ابن عربی منبع اصلی آشنائی اروپائیان با تصوف اسلامی بوده است. لکن این منبع محدود است، زیرا هرگز کتب دیگر او مثلاً کتاب عظیم فتوحات ترجمه نشده است، در حالیکه فهرست اسامی نسخ آثار ابن عربی که اخیراً بدست عثمان یحیی، تدوین شده است، حاکی از بسط شگرف مجموعه آثار یست که درک کامل آن محتاج به وقف يك عمر می‌باشد.

ناگفته نماند، که محققان اروپائی که در جستجوی عقائد عالییه اسلامی بوده‌اند، تاکنون درباره حکمت شیعه که نماینده واقعی جنبه باطنی اسلام است، تقریباً بکلی در جهل بوده‌اند. و بر عکس آنکه کم و بیش با این حکمت آشناست، با خواندن آثار با عظمت ابن عربی، خود را در سرزمینی آشنا احساس می‌کند. خیلی از صفحات این آثار را ممکن بود يك عارف شیعی بنویسد. در واقع بعد از ابن عربی سرعت آثار او وارد عالم تشیع شد، و متفکران شیعه از آن بهره بردند. روزی باید تاریخ شرحهای شیعه را بر آثار ابن عربی نگاشت. در این راه آثار حکیمی مانند سید حیدر آملی (قرن هشتم هجری) (که اکنون تحت طبع است)، حائز اهمیت فراوان می‌باشد، لکن با وجود ستایش و تحسین فراوانی که برای ابن عربی دارد، باز درباره يك نقطه قاطع از خورده‌گیری از او دریغ نکرده است.<sup>۱</sup> بنوبه خود کتاب آقای آشتیانی این مکتب تفکر شیعی را تجدید کرده و ادامه داده است.

۱۷ نکته مورد بحث قاطع و برنده است، چون آنچه را که اصل مسأله نبوت و امامت در تشیع می‌باشد در بر دارد. این نکته همان مسأله شناخت خاتم ولایت عامه در شخص امام اول و خاتم ولایت محمدی «بعد از نبوت»، در شخص امام دوازدهم «ع» می‌باشد. در بحث مسأله ولایت، نه تنها تمام فلسفه، بلکه تمام حیات معنوی شیعه مطرح است. جمیع حکمای بنام شیعه از جمله ملا صدرا، آثار ابن عربی را خوانده‌بودند و بدین جهت باید حدی را که در پذیرش افکار او قائل شده‌اند شناخت.

همچنین سید حیدر آملی، قیصری را متهم می‌سازد که برخی اشارات لطیف ابن عربی را به علت تعصب در تسنن و یا عدم درک مطالب، بصورتی خشن و درشت‌بیان کرده است. در این امر باید به احادیث امامان رجوع کرد که آقای آشتیانی با آن آشنائی عمیقی دارند.

من تعجب نمی‌کنم و بلکه خوشحالم که بین آثاری که آقای آشتیانی در شرف تهیه آن هستند، یکی از آنها مربوط به همین معنی ولایت و امامت دوازده امام از نظر عرفا می‌باشد؛ زیرا اگر تجدیدی که به آن اشاره رفت، جامه عمل پوشد، این يك مسأله اساسی است که در برنامه‌های سالهای آینده باید مطرح شود.

اگر این چند خط بمنظور یادآور ساختن اهمیت آثار طبع شده آقای آشتیانی و مقام ایشان در سنت بزرگ فکری شیعه نگاشته شده است، آنرا نمی‌توان کامل دانست، بدون اینکه نوشته‌های دیگری که ایشان در حال آماده ساختن آنها می‌باشند روشن شود. از آنچه خود مؤلف اعلان کرده است، بنظر من بر می‌آید که این آثار به سه گروه بزرگ تقسیم می‌شود: آنچه مربوط به عمق در آثار ابن

۱۸ عربی است (بوسیله شرحهای جامی و صدر الدین قونوی و دیگران)، آنچه به ملا صدرا تعلق دارد (چاپ متن الشواهد الربوبیه و حاشیه بر شرح حکمة الاشراف سهروردی)، و بالاخره کتبی که مربوط به مسائل گوناگون است که هر يك بنوبه خود مطرح شده است. در بالا اثری که مربوط به امام شناسی بود ذکر شد.

برخی دیگر از این تألیفات با عمق بیشتر در فلسفه معاد و عالم مثال و حرکت جوهریه ملا صدرا، خواهد پرداخت. باید همچنین بصورت محرمانه افزود، که باتفاق ایشان امیدوارم بزودی منتخباتی از فلاسفه ایرانی از دوره میر داماد و میر فندرسکی تا عصر خودمان چاپ کنیم.

آنچه که تا کنون تحقق یافته و یا طرح اجرای آن کشیده شده است، خود گویاست. با ذکر آن کلام، گفتار دیگر زائد است مگر آرزو و دعائی که از صمیم قلب برای ایشان ادا می‌شود. امیدوارم کتب آقای آشتیانی به هدف خود نائل آمده، فلاسفه جوان ایران را تربیت دهد و آنها را یاری کند، تا گنج مخفی را که در درون خود و نیز در درون تمام افراد انسانی وجود دارد باز یابند.

امیدوارم این استاد جوان، که در اوج نیروی جوانی می‌باشد شاگردانی بی‌پروا را که با او و بعد از او ضامن حفظ و بقای آن سنتی باشند، که به لاتین آنرا «سنت مشعل» می‌نامیم. امیدوارم که آنها را روشن سازد و کمک کند تا برایشان مسلم شود، که هر چه صنایع پیش رود و صورت مادی جهان را دگرگون سازد و بشر را قدرت دهد تا این صورت را تغییر دهد، باز مسائلی که حکمای قدیم مطرح ساخته و به حل آن پرداخته‌اند از بین نرفته و در مقابل ما وجود دارد.

ندای تشیع تا کنون در جهان بزحمت شنیده شده است.<sup>۱</sup> امروزه مسائل بطور

۱۹ عمومی در سطحی مطرح می‌شود که این ندا از ما درخواست می‌کند خود را از آن جدا سازیم، اگر بخواهیم آنچه تشیع آنرا «تجلی امام» می‌نامد قبلاً درک کنیم.

هیچ فیلسوفی که به وظائف انسانی خود آگاه است، نمی‌تواند در مقابل این امر بی‌تفاوت باشد. باید از آقای آشتیانی تشکر کرد که همه این امور را برای ما زنده حاضر ساخته‌اند.

هنری کربین‌استاد مدرسهء تتبعات عالیہ (سوربن) رئیس بخش ایرانشناسی مؤسسه ایران و فرانسه‌طهران نوامبر ۱۹۶۵

۲۱

## مقدمهء چاپ دوم

«بسم الله الرحمن الرحيم» کتاب حاضر «شرح مقدمهء قیصری» اثری است از نگارنده این سطور که حوالی ۲۰ سال قبل بهزینہ مرحوم دوست عزیز و نجیب این جانب صاحب صفات و سجایای انسانی و اسلامی عباسقلی پاسبان رضوی، صاحب کتابفروشی باستان «رحمة الله تعالى» چاپ و منتشر شد.

نسخ این کتاب مدتهاست که نایاب شده است، حقیر تصمیم داشت این شرح را مورد تجدید نظر اساسی قرار دهد و آنرا بصورت شرحی مزجی درآورده و نواقص و ناپختگی موجود در آنرا رفع نمایم.

بعد از دست یافتن به شرح فارسی و عربی شیخ المشایخ عارف محقق سعید الدین سعید فرغانی (م ۷۰۰ هـ ق) بر تائیه ابن فارض و شرح محقق جندی (م ۶۹۰ هـ ق) بر فصوص الحکم از تجدید نظر در شرح بر مقدمهء قیصری صرف نظر نموده و بچاپ شرح فارسی سعید الدین فرغانی با مقدمهء مفصل پرداختم. قونوی «رضی الله عنه» در قونیه (روم) و شام و مصر تائیه ابن فارض را تدریس می‌نمود و شاگردان وی تقریر درس او را که بفارسی تدریس می‌نمود، می‌نوشتند، احدی از تلامیذ مانند فرغانی درس استاد را تقریر نکردند لذا قونوی بر این شرح مقدمه نوشت و فرغانی را ستود و از او خواست که شرح را بزبان عربی برگرداند تصمیم داشتم شرح عربی فرغانی را نیز چاپ و منتشر نمایم ولی بهتر دیدم که شرح مؤید الدین جندی (م ۶۹۰) بر فصوص الحکم را چاپ و بعد از آن مبادرت بانشار شرح عربی قصیدهء تائیهء نامیم در همین اثنا مبتلا به تب طولانی توأم با درد استخوان و عضلات و ریزش عرق شدید

۲۲ گردیدم و حدود (۵) پنج ماه با تب دست<sup>۱</sup> و پنجه نرم می‌کردم.

حدود ۳۵۰ صفحه از شرح بی‌نظیر مؤید الدین جندی را چاپ کردم و در این اثنا چاپ مشارق الدراری شرح بر تائیه امام عارف ابن فارض مصری نیز باتمام رسید که نگارنده ناخوش و بستری شدم و دوست قدیمی حقیر دانشمند بزرگوار دکتر ابراهیمی استاد دانشگاه طهران بقیهء شرح جندی را تصحیح و مقدمهء ای بر آن نوشت و بحمد الله این کتاب عظیم در دسترس اهل ذوق قرار گرفت.

فعلا مقدمات چاپ شرح محققانه ملا عبد الرزاق کاشانی و شرح فصوص قیصری را دارم بتدریج فراهم می‌آورم.

حقیر حواشی مفصل از آقا علی مدرس و تلمیذ عظیم الشان او آقا میرزا هاشم رشتی

۲۳ بر کتاب اسفار صدر المتألهین و خاتم المحققین در دست دارد و تصمیم دارد کتاب اسفار را با این حواشی چاپ کنم و این نکته نیز مسلم است که حواشی محققانه حکیم سبزواری جای خود را دارد، و از این حواشی بی‌نظیر نمی‌توان چشم پوشید<sup>۲</sup> و اگر بتوانیم حواشی بیشتری از آخوند نوری که مثل الماس می‌درخشد، بدست آوریم «نور علی نور» خواهد شد.

کتاب فصوص ابن عربی (م ۶۳۸ هـ ق) در عرفان نظری تالی ندارد، بر این اثر بی‌نظیر بالغ بر ۱۱۲- شرح بعربی و فارسی و ترکی نوشته‌اند که برخی از این شروح و تعالیق در کتابخانه‌های مهم و معتبر دنیا بطور متفرقه و تمامی این نسخ و کثیر از نسخ دیگر عرفانی منحصر بفرد در کتابخانه‌های کشور اسلامی ترکیه نگهداری می‌شود خداوند نیامرزد، نظامی متحجر غربزده مصطفی کمال پاشا موسوم به آتاترک را که زبان و ادبیات و معارف مردم ترکیه را با تغییر خط بباد فنا داد<sup>۳</sup>

علاوه بر تعالیق و شروحی که در مقام بیان مقاصد شیخ اکبر نوشته شده است، جمعی نیز کتب متعدّد بر ردّ افکار او نوشته‌اند و یا در ضمن نوشته‌های خود کلمات او را مورد انتقاد قرار داده‌اند، و کثیری از اعلام نیز در مقام دفاع از افکار شیخ اکبر، رسائل و کتبی نوشته‌اند و جمعی نیز در ضمن تحقیقات مباحث عرفان از اشکالات مخالفان جواب داده‌اند.

عثمان یحیی دانشمند معروف سوری در مقدمه بر «نصّ النصوص» عارف محقق سید حیدر شیعی آملی کلیه این آثار را مورد بررسی قرار داده است.

عثمان یحیی چندین برابر از آنچه که ارباب تراجم از آثار علمی ابن عربی ضبط کرده‌اند، از وی آثار علمی پیدا نموده، و کتابی مبسوط در این باب نوشته که انسان متحیر می‌شود که يك مرد محققى که بیک معنی، پدید آورنده و عرفان نظری بسبب آثار او و پیروانش می‌باشد، چه اندازه می‌توانسته است کار کند و بطور مسلم از هیچ مؤلفی باندازه وی اثر علمی باقی نمانده است و پرکارترین استاد و

والاثرین دانشمند

۲۴ در ادوار اسلامی است.

مجددات تفسیری که از او بر قرآن باقی مانده است<sup>۴</sup> برابر است با آثار پرکارترین دانشمندان اسلامی.

عثمان یحیی در مقدمه نصّ النصوص مرتکب اشتباهات جزئی نیز شده است، از جمله آنکه سعید الدین فرغانی را از شارحان فصوص و استاد وی شیخ کبیر قونوی را شارح «نقش الفصوص» دانسته است شاید نسخ یا تذکره نویسان بدون غور در این دو اثر منسوب به قونوی و فرغانی، منشأ اشتباه عثمان یحیی شده‌اند.

در بین شرح‌هایی که بر فصوص نوشته‌اند شرح عارف محقق مؤید الدین محمود بن ساعد حاتمی معروف به مؤید الدین الجندی م ۶۹۰ هـ ق، تحقیقی‌ترین و جامع‌ترین شرح بر فصوص است. عبد الرحمن نور الدین محقق جامی (م-۸۹۸) او را شارح اول فصوص می‌داند عیاف الدین تلمسانی که ملا عبد الرزاق کاشانی از او تعبیر به: الامام العارف نموده است از تلامیذ بنام قونیست که بر فصوص شرح نوشته است.

تلمسانی کفص آدمی و شیئی را مفصل و دیگر فص‌ها را مختصر شرح کرده و جامی شرح او را ندیده است. عیاف الدین (م ۶۹۰ هـ ق) بر منازل السائرین نیز شرح تحقیقی نوشته است و ملا عبد الرزاق هنگام شرح منازل، آن شرح را در اختیار داشته است. برخی تلمسانی را شارح اول منازل می‌دانند و این اواخر دانشمندی فرانسوی و شرح از منازل چاپ کرده است که تاریخ تألیف دو اثر مقدم بر زمان شرح تلمسانی است.

عیاف الدین نزد استاد خود قونیوی بسیار محترم بوده بنحوی که استاد هنگام رحلت خرقه و سجاده و تألیفات و کتب خود را باو داده است.

تلمسانی از مردم مغرب عربی است که بعد از رحلت استاد، در قونیه نماند و بوطن مألوف خود مراجعت نمود و برخی از مخالفان عرفان، او را مورد حمله قرار دادند و جمعی از وی طرفداری نمودند، لذا گوشه انزوا اختیار کرد و موفق به تأسیس حوزه عرفانی کامل نشد. اسمعیل بن سودکین نوری (م-۶۴۶ هـ ق) از تلامیذ ابن عربی فقط فصوص ادریسی را شرح کرده است<sup>۶</sup>.

جندی شارح اول فصوص از مردم جند، از شهرهای ترکستان روسیه فعلی بوده است که بدست مغولان و بران گردید و مردم آن قتل عام شدند و دیگر این شهر از نو بنا نشد. در شرح جندی مطالبی عالی در عرفان نظری وجود دارد که در دیگر شرح‌ها وجود ندارد، یا بقول جامی آن مطالب در جای دیگر دیده نمی‌شود.

محقق جندی در شرح طریق خاصی دارد بعد از نقل قسمتی از متن، خود رأساً به تحقیق در اطراف آن می‌پردازد، لذا این شرح برای کسی که بخواهد برای بار اول

26 شرح فصوص بخواند نافع نمی‌باشد و خیلی سنگین بنظر می‌آید. نگارنده در نظر دارم شرح جندی را برای دومین بار چاپ کنم و اغلاط فراوان که در متن و شرح از صفحه ۳۵۰ به بعد دیده می‌شود تصحیح و نحوه تأثیر این شرح بر افکار شارحان بعد از او را بیان و مواضع تأثیر لا حقیقین از وی را نشان دهم. جندی بواسطه احاطه حیرت‌آور که در عرفان دارد و این احاطه توأم با روح محققانه وی، منشأ ظهور چنین اثری شده است.

یکی از شارحان بزرگ فصوص که خود دارای افکار و انظار عرفانی است، عارف نامدار ملا عبد الرزاق کاشانی «قدس سره» است متوفی در سنه ۷۳۰ هـ ق.

وی در عرفان نظری از تلامیذ<sup>7</sup> جندیست و دارای آثار ارزنده در عرفان و تصوف می‌باشد یکی از عارفانی که احدی مانند وی مدارج سلوک و درجات و مقامات ولایت و نبوت را بیان نکرده است عارف محقق سعید الدین فرغانی م ۷۰۰ هـ ق از مردم فرغانه است که دو شرح بر تائیه ابن فارض نوشته و در مقدمه شرح عربی مطالبی نوشته است که در مقدمه شرح فارسی بدان مضبوطی مطالب را بیان نکرده است و بر آن نیز مطالب عالی به نظیری افزوده است کلیه عرفای بعد از او، در مقام تحریر مسائل عرفانی از او استمداد جسته‌اند.

محقق قیصری (م ۷۵۱ هـ ق) نیز یکی دیگر از شارحان فصوص و از تلامیذ ابو الغنائم ملا عبد الرزاق کاشانی است که فصوص را نزد وی قرائت نموده است.

شرح قیصری برای کسانی که بخواهند متن کتاب را بدرستی بفهمند، بهترین کتاب است لذا در حوزه‌های علمی اصفهان و طهران این شرح را اساتید برای تدریس مناسب‌تر دیدند شرح کاشانی عمیق‌تر و علمی‌تر و حاکی از انظار شخصی مؤلف است. ولی باز قیصری مهارت خود را حفظ کرده و آنچه را که برشته تحریر می‌آورد حاکی از عمق نظر و احاطه‌ای او به آراء قونوی و دیگر استادان این فن می‌باشد.

در شرح بالی افندی م-۹۶۰-سیر نزولی عرفان واضح و آشکار است و این سیر نزولی در شرح نابلسی (م-۱۱۴۳) پر واضح و هویداست و حاکی از تنزل مدارج عرفان است.

نور الدین عبد الرحمن جامی استاد بزرگ علوم نقلیه و عرفان در حوزه علمیه هرات

۲۷ (م-۸۹۸) مؤلف نصّ النصوص شرح بر نقش الفصوص (که مختصر فصوص و آخرین اثر ابن عربی است)، و شارح فصوص الحکم، از اساتید بزرگ عرفان و از شارحان نامی افکار ابن عربی است که شرح و مقدمه او بر نصّ النصوص زبده آثار محققان از عرفاست. جامی با خبرگی خاص خود عالی‌ترین مطالب موجود در آثار ابن عربی و قونوی و فرغانی و جندی و کاشانی و گاهی قیصری و برخی دیگر از اساتید فن را بامختصر تغییر و گاهی عین عبارات یا تلخیص مفصلات را در آثار خود گنجانیده است.<sup>۸</sup>

اشعة اللّمعات جامی شرحی است بر لمعات عراقی که بنحوی عالمانه و محققانه، (معلمان و اساتید ادبیات فارسی باید تمامی این کتاب را نزد استاد خبری قرائت نمایند تا هنگام مطالعه اشعار عرفا، بفهمند که سر چه کسی را می‌تراسند) لمعات را شرح کرده است و جزء بهترین آثار عرفانی بزبان فارسی است.

عراقی فصوص الحکم را نزد شیخ کبیر قونوی قرائت نمود و بعد از فهم مشکلات فصوص لمعات را نوشت و جمعی دیگر نیز به شرح لمعات پرداخته‌اند، شرح جامی بر دیگر شروح مزیت و برتری دارد.

ابن عربی (م-۶۲۸ هـ ق) مؤلف کتاب فصوص و فتوحات مکیه و ده‌ها آثار عرفانی دیگر، مدتی قونیه را مرکز تدریس خود قرار داد و از بین تلامذ بزرگ و متعدّد او فقط یکنفر دارای نبوغ و استعداد عظیم النظیر بود، که توانست در دورانی نسبتاً کوتاه مدارج عالیّه عرفان را علما و عملا به پیماید و در زمان حیات ابن عربی بتواند حوزه تدریس استاد را اداره نماید و بمقام جانشینی استاد برگزیده شود. این شخص همان صدر الدین قونوی رومی (م-۶۷۲ هـ ق) است که در علوم مرسوم زمان دارای جامعیتی فوق العاده و در علم عرفان و مکاشفه سرآمد عرفای زمان بحساب می‌آید و بعد از ابن عربی احدی بپایه او نمی‌رسد.

صدر الدین<sup>۹</sup> در تربیت شاگرد از استاد موفق‌تر بود. قونوی مبانی استاد خود را در

۲۸ آثار متعدد خویش محققانه تقریر نمود و بنا به تصریح برخی از محققان موجب ترویج افکار ابن عربی صدر الدین قونوی است که احدی مسأله وحدت وجود را مانند وی بسبک تحریر در نیاورده است و افکار عالیّه استاد را در کلیه مسائل عرفانی پیاده و تحقیق نموده است بعقیده نگارنده قونوی در پروردان آراء عرفانی عباراتی موجز، چندر تألیفات بی نظیر خود و چه هنگام تقریر مباحث عرفانی جهت تلامذ خود، تالی ندارد. چه آنکه صدر الدین همان طوری که دارای تحریری عالمانه و عارفی طلیق اللسان و عذب البیان است در مقام القاء معارف الهیه به تلامذ از بیانی روان و جذّاب بهره‌مند بوده است و بزبان فارسی تدریس می‌کرده است لذا تلامذ نامدار او بخصوص شیخ مؤید الدین جندی و سعید الدین فرغانی در تألیف آثار عرفانی بسبک استاد خود و ابن عربی بسیار موفق بوده‌اند و ردّ پائی در آثار عرفانی که محققان طبقه بعد از فرغانی و جندی بوجود آورده‌اند از این دو محقق کم نظیر در همه جا دیده می‌شود.

در همین ادوار مثنوی را با انبر بر می‌داشتند اگر کسی مختصر ذوقی داشت او را رمی به صوفی گری می‌نمودند و این اواخر کار بجائی کشیده که شاهزادگان صفوی در مجالسی که روضه خوانها علنا شیخ صفی الدین اردبیلی و اجداد و اولاد او را لعن می‌کردند حضور بهم می‌رساندند. و همین شیخ صفی اردبیلی را مجلسی اول از کمل عرفا و مجلسی ثانی نهایت حرمت را برای او قائل شده است و او را صاحب کرامات دانسته است.

ما از وضع حوزه علمیه هرات بعد از جامی اطلاعات وسیعی نداریم اگر چه شاگردان جامی را می‌شناسیم و همانطوریکه گفتیم جامی من حیث المجموع شاید آخرین عارف محقق باشد که در عرفان نظری از شارحان افکار ابن عربی و

۲۹ صدر الدین قونوی بشمار می‌آیند.

اگر چه اصفهان قبل از سلاطین صفویه مرکز علم و دانش بوده و در قرون اولیه اسلام نیز مرکزیت داشته و شیخ اشراق از تلامذ حوزه علمیه اصفهانست، ولی بعد از انتقال پایتخت امپراطوری عظیم تشیع باصفهان، این شهر بزرگ مرکز علوم اسلامی گردید نگارنده بعد از تفحص زیاد معلوم نمودم که عرفان و تصوف در حوزه اصفهان تدریس می‌شده است و اساتید عرفان در تصوف نظری، پیرو ابن عربی بوده‌اند در زمان شاه عباس و جانشینان او، بواسطه عشق و علاقه آنان به تصوف، تدریس کتب فلسفی و عرفان با اشکالات مواجه نمی‌شده است.

در اواخر شاه سلیمان و دوران شاه سلطان حسین و ظهور موجی عظیم ناشی از افکار اخباریون عرصه را بر اهل حکمت و عرفان تنگ نمود.

در همین عصر اعلام از محققان در فقه و اصول و افراد جامع بین علوم عقلیه و نقلیه دیده می‌شود، مثل فقیه اعظم فاضل هندی فرزند تاج الدین حسن اصفهانی که در سن هیجده سالگی بر شفا حواشی نوشته و آنرا تلخیص کرده و در رشته منقول و معقول تدریس

می‌نموده است و کشف اللثام که یکی از کتب عالیّه در فقه است و فقها<sup>۱۰</sup> از مؤلف عظیم این کتاب به کاشف اللثام تعبیر نموده‌اند و روز فتح اصفهان بدست او باش افاغنه دار فانی را وداع گفت و حقیر در تخت فولاد مقبره او را زیارت کرده‌ام.

جمعی دور شاه سلطان حسین<sup>۱۱</sup> را گرفتند و در مدرسه چهار باغ برای او حجره‌ای

۳۰ معین نمودند و شرح لمعه باو درس می‌دادند و چنان این مرد ضعیف النفس باستقبال خرافات رفت که مملکت را بالمره بامان خدا سپرد، بجای آنکه او را وادار نمایند که از وضع قشون، مرتب آگاه باشد، و اشخاص نالایق را بنا به توصیه زید و عمرو، در رأس قشون، فرار ندهد، بعکس عمل نمودند شاه سران براننده قشون را مایوس کرد و تمرین نظامی که در زمان شاه اسماعیل و شاه عباس با دقت عجیب انجام می‌شد، فراموش شد. و سطوت و صولتی که در زمان شاه اسماعیل و شاه عباس اول بوجود آمد، سبب شد که امپراطوری عظیم تشیع سالیان متمادی باقی بماند، ولی مصائب ناشی از او هام و خرافات مردم ما را بدردهای بی‌درمان مبتلا نمود و هر چه مرج داخلی قبل و بعد از فتح اصفهان، بر مملکت حاکم شد، روس و عثمانی قسمتی از خاک ایران را تصرف نمودند.

اگر چه نادرشاه افشار خاک ایران را از لوٹ وجود بیگانگان پاک نمود ولی بواسطه ابتلائی به اختلال دماغی که لازم لا ینفک وجود هر قلدری عامی مستبد است، خود مشکلی شد برای مردم ما، و بعد از آن دیگر آب خوش بگلولی این ملت فرو نرفت.

افاغنه کتابخانه‌های معظم را به زاینده رود ریختند و روز فتح اصفهان بیش از صد هزار نفر یا از گرسنگی مردند و یا بدست مهاجمان کشته شدند.

32 میرزا محمد علی میرزا مظفر (م- ۱۹۸۱) از مدرّسان نامی حکمت اشراق و کتب عرفانی بوده است از ایشان و میر سید حسن طالقانی از اجله عرفا اثری بدست نیاوردیم. از احوال آنها نیز اطلاع درستی نداریم میرزا عبد الجواد شیرازی عارف محقق زمان خود، استاد عارف نامدار آقا سید رضی لاریجانی است لاریجانی او آخر عمر خود بدعوت مرحوم آقا میرزا علیرضا گرگانی از رجال مهم دوران قاجاریه، بطهران مسافرت کرد و میرزا علیرضا در منزل خود از او و عائله‌اش پذیرائی می‌نمود. وی در طهران دار فانی را وداع کرد.

آقا میرزا علی رضای مستوفی گرگانی<sup>۱۳</sup> بهزینه خود شرح منازل السائرین ملا عبد الرزاق کاشانی را بانضمام رساله نصوص و فکوک قونوی و مصطلحات عرفانی ملا عبد الرزاق، را چاپ و بطالبان عرفان تقدیم نمود.

آقا محمد رضای قمشیمی شاگرد نامی لاریجانی از جمله عارفان و حکمای بزرگ است که بعلی از اصفهان بطهران آمد و در مدرسه صدر اقامت گزید و جمع کثیری از افاضل آن عصر در حکمت و عرفان از تلامیذ این مرد عظیم می‌باشند و تعلیقات وی بر فصوص حاکی از آنستکه او بر کثیری از عرفای نامی ترجیح دارد با این فرق که آقا محمد رضا در انواع مشارب فلسفی بخصوص حکمت متعالیه استاد بی‌نظیر در اعصار است.

مرحوم حکیم متألّه آقا میرزا حسن نوری فرزند برومند آخوند ملا علی نوری و استاد آقا علی حکیم، بدعوت اعتماد السلطنه قاجار بطهران سفر و مدتی تدریس نمود، از فراریکه استادم آقا میرزا احمد آشتیانی می‌فرمود، آقا میرزا حسن کرمانشاهی مدتی بدرس وی حاضر شده است.

بعد از رحلت آقا محمد رضا، آقا میرزا هاشم رشتی عهده‌دار تدریس حوزه عرفانی استاد شد. مرحوم فقیه و اصولی و حکیم و عارف نامدار آقا میرزا محمد علی اصفهانی معروف به شاه آبادی از تلامیذ دوره اول حوزه آقا میرزا هاشم می‌باشند که بدرس اسفار و شرح فصوص و مصباح الانس آقا میرزا هاشم حاضر شده‌اند و بعد از تکمیل علوم عقلیه و عرفان اسلامی و حضور بحوزه تدریس فقه و اصول اساتید طهران، برای نیل